

بریان کرده با شیر و تخم خرفه بریان کرده تناول کنند با کلس
و غذا کافور بریان کرده با عصاره بادام و شیر و جنجاش
خورند و این شفاست استعمال کنند صدف بویخته
کلس از می افایا کلس بر یک است درم کوفته با آب
سازان الکلی آن فیه لیسر کنند و شفاف سازند اگر
بسیار نفلی خشک شود در اوعا محبتی و خروج آن
و شوار بود و موجب ترش کرد و علامت آن نفلی احتیاج
و تناول محففات شد علاج آن بلبل طبعیت باشد
مزیقات مثل سفید و عظمی و پستان و حصار نیز و اگر
بسیار مائی بود در معده رسد علاج تندای نفلی کنند بر
کلس بالونه کرم کرم و بالونه و شربت و زرد لوره و اکلم
بجوشانند و در آن نشیند و بر سر اخر کرم کرده نشیند
نفلی بود و بالونه و اکلم الکلی و حشو و سلجیه کوفته بر وزن
سوس طلا کنند اگر که باک فراط بود تخم سبزیان و شافیه

انار و مورد و بلوط هر یک ده درم ماز و کلنا هر یک
نیم درم کوشانند و صافی کنند و کاغذ سوخته و اقا قناد
کل از فیله هر یک شش دانگ بسیارند و بر سر آن ریزند و استعمال
کنند بدفعات **این** قرص بخورند سماق چهار درم خون
سبزو شان و صمغ عربی پربال کله کلنا را فاضا هر یک درمی
مکوبند و بر آب ریخته و شفا یابار بسیار است تناول کنند
و این خوردن غیر نفید باشند زیره کوبیده در سرکه خیساننده
و انار دانه هر یک پانزده درم دانه مورد و سنبل مصطکی
کو و باختر نوب هر یک ده درم انیسون تخم کرفس هر یک
نیم درم مکوبند و دو درم از آن تناول کنند و اگر
بیمال شود و ای بود علامت آن حرمت و لذت نوده و
تشنگی دهان و کثرت شتهای بضم نام و فراغ و نفخ بود و
زنگ بر از ماین و ادویه باشد علاج آن اول استقیه
و بعد از آن کوفته ها سرم و بعد از آن استقیه نام که باشند

تناول کنند و مانند رم کل از منی باریک سبک کنند و بریان کنند
 و نوت خشک و تخم کماض و خرگوش تنهایی سبک کنند و
 طبایع سرد در رم و انار دانه بریان کرده بجای در رم و زرشک
 سماق و سیب کنار و سیب خجسته و سیب کبر و در رم
 و همه بهم اندازند و قدری از آن بخورند و اگر سه سال با فرط بود
 را کل از منی و زیره کثانی و صندل و رامک و آقا قیاباب
 مورد و صندل کنند و غذا سماق با انار دانه با کباب و نه جو خورند
 و اگر سه سال با غلبه بلغمی بود و علامت آن نفخ و قراقر و ثقل و دفع
 بلغم و بزرگ بلغم بود و علامت آن حبس البرشاد با حرف است در رم
 بر سر صلابه نیم گرم از نبات بیاض مانند نا اخلط بکلی دفع شود
 چون در نزد که تمام دفع شده است خوف ثقلیات با حد و کسر
 با سبب تناول کنند با صمغ عربی و تخم ریحان سبک با سبب بریان کنند
 بگویند و بر مرغی با دم چر کنند و فرویزند و اگر سه سال بکینود
 اس حقه ممسک بزند ص برنج و غذا نفس سبک کفایت

و در برید و غذا کاورش بپوشد یا معر بادام خورند و مرض طباشیر کس
و مرض کهر یا بر میزند بود در خوف نشاسته بمغفاله بر و غش کل
چرا کنند و بخورند و اگر ^{بسیار} اهل ^{بسیار} سبب سبب بود و وجع اثن
باشند بر بوزله از طلا حاده حریفه بر با معار نیز دایست اهل
بسیار معارضه شود و علامت آن نیست در شکلی و
خیدن شکم و وجع المعال بود علاج خوف نشاسته یا
روغن کتان اول کنند با صمغ عربی و نشاسته بریان کرده بهر
دو مقدار و طباشیر کینفاب بریان کرده با شیره داغ کرده
بناشاسته و غذا کاورش بریان کرده یا برنج بریان کف با پیچ
نیز با چربی کونست یا معر بادام خورند و این صفت بمسک استعمال
کنند صمغ عربی نشسته و چونیم کوفته و ذره بهر یک کفی بریان
کنند و میان کحل بویست خنکاش و کلندر و زرد به کل
و کل حطی و زنی موهر را بجوشانند و صافی کنند و صمغ عربی
و نشاسته بریان کرده و خون سیاوشان و کهر یا بهر یک

فرض طبائیر است و فرض طبائیر کبریا و غوفت طبائیر است
و غوفت انار دانه هر کدام را باشد تناول کنند و بنکو و باز تنک
و تخم زکایان و کل از منی و صمغ عربی و پادشاه است و متساوی بر آن
کنند و بگویند و پنج مثقال از آن با کلا حب رند و از خصوصیات
و شیرینا صحر از کنند و مرغ و کماک کرد و پند خورند و انار را
کوفته و در شکست بنشیند **در سعال دمو** اگر سبب الفجاع
عروق المعال بود اگر المعاد قاف علامت او است
خاطی بیرون آید و بعد از آن خون و قینی با ریح و قمر اف
و زرد خارج شود و اگر در معار علاط بود علامت او است
بر اول مخاطی با خون بیرون آید و بعد از آن با خون و
بان علامت او است بوی شیرین باشد علاج اگر علامت غلبه
خون باشد و غوفت مزاج و غوفت بعضی بود و مضد
کنند و بنکو و باز تنک و تخم زکایان هر یک متساوی و صمغ
عربی متساوی بر آن کنند و بر روغن کل هر یک که خوا
فرو برد و خور